

جایگاه و کارکرد بازرگانان بوشهر در جنبش جنوب ایران

حسین هژبریان*، سیدصاحب برزین

استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران - ایران؛ استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران - ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۰۵/۱۵) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۱/۲۰)

The Position and Function of Bushehr Merchants in the Movement of Southern Iran

Hosseyh Hojabrian*, Seyyed Saheb Barzin

Assistant Prof, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, ;
Assistant Prof, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University

Received: (2020/ 08/ 05)

Accepted: (2021/ 04/ 09)

Abstract

After the victory of the Constitutional Revolution, southern Iran underwent many political changes, culminating in the World War I. The merchants of Bushehr, who had gained more economic power since the beginning of the nineteenth century and had gradually become interested in social and political activities, were opposed to Britain and an ally of the constitutional clergy, and as an influential social group, have the religious, national and economic interests. During the events of the southern movement, the merchants of Bushehr were always in conflict with these interests, and usually by ignoring the economic interests, they supported the positions of the constitutionalist clerics and acted in the national interest. As the movement continued to struggle and the growing economic losses inflicted on traders due to the insecurity of trade routes and the cessation of trade, they gradually became reluctant to continue supporting the movement and eventually withdrew. The present article tries to answer the question with the method of qualitative analysis: what effect did the economic approach of Bushehr businessmen have on their orientation to join or not to accompany the southern movement? The purpose of this study is how and why the dual positions of Bushehr businessmen and the result of the research shows that Bushehr businessmen, motivated by the establishment of order and security and enjoying its economic and political interests, converged and joined the southern movement, but after despair of achieving the goals, and the economic costs, They withdrew from the movement.

Keywords: Bushehr Merchants, Bushehr, Kazerun, Southern Movement, Southern Police, World War I.

چکیده

جنوب ایران پس از پیروزی انقلاب مشروطیت تحولات سیاسی زیادی را پشت سر نهاد که اوج آن در جنگ جهانی اول رقم خورد. بازرگانان بوشهر که از ابتدای قرن نوزدهم توان اقتصادی بیشتری یافته و به تدریج به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی علاقه‌مند شده بودند، در این جنبش، مخالف انگلستان و متحد روحانیت مشروطه‌خواه بودند و به عنوان یک گروه اجتماعی متنفذ، علائق مذهبی، ملی و اقتصادی داشتند. در طی حوادث جنبش جنوب، بازرگانان بوشهر همواره در کشاکش این علائق قرار داشتند و معمولاً با پشت کردن به منافع اقتصادی، از مواضع روحانیان مشروطه‌خواه حمایت و در جهت منافع ملی عمل می‌نمودند. با طولانی شدن روند مبارزات جنبش و زیان‌های اقتصادی فزاینده‌ای که به سبب ناامنی مسیرهای تجاری و توقف جریان تجارت به بازرگانان وارد شد، آنها اندک اندک در تداوم حمایت از این جنبش مردد شدند و در نهایت از آن کناره گرفتند. نوشتار حاضر، با روش تحلیل کیفی، می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که رویکرد اقتصادی بازرگانان بوشهر چه تأثیری در جهت‌گیری آنها برای همراهی یا عدم همراهی با جنبش جنوب داشت؟ چگونگی و چرایی مواضع دوگانه بازرگانان بوشهر هدف این پژوهش است و دستاورد تحقیق حاکی است که بازرگانان بوشهر با انگیزه برقراری نظم و امنیت و برخورداری از منافع اقتصادی و سیاسی آن، به همگرایی و همراهی با جنبش جنوب پرداختند، اما پس از ناامیدی از دستیابی به اهداف خود و تحمل هزینه‌های اقتصادی، از همراهی با جنبش کناره گرفتند.

کلیدواژه‌ها: بازرگانان بوشهر، بوشهر، کازرون، جنبش جنوب، پلیس جنوب، جنگ جهانی اول.

۱. مقدمه

از ابتدای قرن نوزدهم موقعیت بوشهر به عنوان دروازه ورود کالا به ایران تثبیت گردید و در نتیجه آن برخی از بازرگانان بوشهر، با استفاده از این موقعیت بر توان اقتصادی خود افزودند. شهرهایی که در مسیر جاده بوشهر به داخل ایران قرار داشتند نیز به کمک همین عامل جان گرفتند. یکی از این شهرها کازرون بود که به عنوان مهم‌ترین شهر بین بوشهر و شیراز، هم واسطه انتقال کالاهای این دو شهر محسوب می‌شد و هم از یک گروه متنفذ از بازرگانان معتبر برخوردار بود. بازرگانان کازرونی، مانند بازرگانان بوشهر و سایر نقاط ایران، در طول حکومت قاجار به تدریج به یک گروه اجتماعی مؤثر و قابل اعتنا تبدیل شدند و اندک اندک، با توجه به وزن اجتماعی خود، به تأثیرگذاری بر رخدادهای سیاسی علاقه‌مند شدند. بسیاری از بازرگانان کازرونی با درک موقعیت برتر بوشهر در این شهر سکونت یافتند و موفق شدند در حرفه خود موفقیت شایانی کسب کنند. آنها عملاً در بافت اجتماعی شهر بوشهر حل شدند ولی پسوند کازرونی و نیز ارتباط خود با زادگاهشان را حفظ کردند. این بازرگانان در کنار سایر بازرگانان بوشهر به تدریج تبدیل به گروهی متنفذ شدند که علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه که وجهه اجتماعی مناسبی به ایشان می‌بخشید، در کنار دیگر گروه اجتماعی متنفذ، یعنی روحانیت، قرار گرفتند. بازرگانان بوشهر در انقلاب مشروطه در کنار روحانیان مشروطه‌خواه از اهداف مترقیانه انقلاب حمایت کردند و امیدوار بودند با تغییر مناسبات سیاسی، ایران به کشوری مستقل و پیشرفته تبدیل شود و امنیت حاصل از آن به رونق تجاری و منافع

اقتصادی بینجامد ولی رویدادهای پس از مشروطه در جنوب ایران به گونه‌ای پیش رفت که بازرگانان بوشهر بایستی از علائق مختلف خود یکی را انتخاب می‌کردند. بدین معنا که حمایت از روحانیت مشروطه‌خواه و مخالفت با نفوذ انگلستان در جنوب، گاهی نتایج ناخواسته‌ای مانند ناامنی و توقف جریان تجارت را موجب می‌شد. بررسی نحوه فعالیت‌ها و روند موضع‌گیری بازرگانان بوشهر نشان می‌دهد که آنها در ابتدای جنبش جنوب فعالانه در رخدادهای مشارکت داشتند و فداکاری زیادی از خود نشان دادند. آنها با خوانینی که با انگیزه‌های مختلف علیه قوای انگلیسی وارد مبارزه شده بودند، ارتباط تنگاتنگی برقرار کردند که شامل حمایت مالی، تلاش برای متحد ساختن خوانین و عناصر ضد انگلیسی، بستن بازار در اعتراض به سیاست‌های انگلستان و نظایر آن بود. ولی به تدریج از میزان مشارکت آنها کاسته شد. با طولانی شدن درگیری‌های نظامی و توقف تجارت، بازرگانان از نفوذ خود استفاده می‌کردند تا به نحوی بین طرفین مصالحه‌ای برقرار کنند که تداوم جریان تجاری را ممکن سازد ولی در اواخر جنبش با درک ناممکن بودن چنین خواسته‌ای عملاً از آن کناره گرفتند. لکن با توجه به اینکه روحانیان و برخی از خوانین متحد بازرگانان کماکان به مبارزه با انگلستان ادامه می‌دادند، آنها ترجیح دادند در این درگیری سکوت کنند و به انتظار پایان آن بنشینند. در این مقاله کوشش خواهد شد انگیزه‌های بازرگانان بوشهر که بسیاری از آنها ریشه کازرونی داشتند، برای پیوستن به جنبش جنوب ایران و علل کناره‌گیری ایشان از این جنبش بررسی شود. شایان ذکر است که منظور از

شده است: در کتاب گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج فارس به سازوکار اداری گمرک بوشهر و تحولات آن پرداخته و با ارائه آمار و ارقام دقیق تأثیرات متقابل تحولات سیاسی و اقتصادی را بررسی نموده است. در کتاب معین-التجار بوشهری و احیای تجارت دریایی خلیج فارس نیز با بررسی زندگی و اقدامات یکی از تجار موفق بوشهر نمونه‌ای از گسترش نقش اجتماعی و سیاسی این گروه اجتماعی را معرفی کرده است. علاوه بر این، در تحقیق جدید ویلم فلور با عنوان بوشهر دروازه تجاری ایران در خلیج فارس، به جایگاه بوشهر به عنوان بندر وارداتی اصلی ایران در قرن نوزدهم پرداخته شده و دلایل افول این نقش در قرن بیستم تحلیل گردیده است. گزارش‌های مستر چیک نیز کتاب ارزشمند دیگری است که به‌رغم حجم اندک، حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی دربارهٔ تحولات سیاسی بوشهر است و درهم‌تنیدگی تحولات سیاسی و اقتصادی این بندر را نشان می‌دهد.

با وجود انتشار این تحقیقات، جای خالی پژوهش‌هایی که برای عبور از سطح رویدادها و پرداختن به جنبه‌های مغفول این جنبش، جسارت کافی داشته باشند، همچنان احساس می‌شود. بسیار گفته شده است که گروه‌های متعددی در جنبش جنوب ایران و مقاومت در برابر نیروهای بیگانه نقش داشتند؛ ولی عملکرد این گروه‌ها به‌ندرت جداگانه نقد و بررسی شده است. به نظر می‌رسد پرداختن به یکایک اقشار و افراد مؤثر در این جنبش، ضمن کمک به روشن ساختن یکی از برهه‌های تاریخ این منطقه از کشورمان، امکان نگرستن بدان از زوایای جدید را فراهم می‌کند و

جنبش جنوب مبارزاتی است که در فاصله انقلاب مشروطه تا خاتمه جنگ جهانی اول، به صورت‌های مختلف علیه سیاست‌ها و اقدامات انگلستان در جنوب ایران انجام پذیرفت. اوج این جنبش را در مبارزه تنگستانی‌ها، ناصردیوان کازرونی و قشقایی‌ها با نیروهای انگلیسی، هندی و پلیس جنوب می‌توان دید.

جنبش جنوب ایران از زوایای مختلفی بررسی شده و کتب و مقالات متعددی درباره آن نوشته شده است. کتاب سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر، نوشته صفورا برومند از جمله این آثار است که در فصول مختلف اشاراتی به مشروطیت و جنبش جنوب داشته ولی نقش مهم تجار را به اندازه کافی بررسی نکرده است. سیدقاسم یاحسینی نیز در کتاب رئیس‌علی دلواری به بررسی ریشه‌های اختلاف اهالی جنوب ایران با انگلستان پرداخته و تداوم آن را تا جنگ جهانی اول دنبال کرده است. برخی مقالات کنگره بزرگداشت رئیس‌علی دلواری درباره رویدادهای جنگ جهانی اول نگاشته شده که اشتراکاتی با محور پژوهش حاضر دارند، هرچند هیچ‌یک در خصوص تجار کازرونی نیست. تنها کتابی که زندگی و نقش یکی از تجار مهم کازرونی را بررسی کرده سید محمدرضا تاجر کازرونی، نوشته سیداحمد حسینی کازرونی است که در مقاله حاضر نیز از آن استفاده شده است. کتاب ناصردیوان کازرونی، نوشته موسی مطهری‌زاده نیز به لحاظ استفاده از اسناد حائز اهمیت است. در تحقیقات جدیدی که اخیراً صورت گرفته است تجار بوشهر توجه بیشتری را به خود جلب کرده‌اند. مثلاً دکتر حبیب‌الله سعیدی‌نیا در دو کتاب خود بر این موضوع متمرکز

افق‌های جدید و متفاوتی را خواهد گشود. نوشتار حاضر با رهیافت تحلیل کیفی و با تلاش در جهت تبیین و تفسیر وجوه مختلف موضوع، پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی را در دستور کار دارد که: رویکرد اقتصادی بازرگانان بوشهر و تلاش آنها در ایجاد امنیت و ثبات در منطقه، چه تأثیری در همراهی و هم‌نوایی آنها با جنبش جنوب در حین جنگ جهانی اول و کناره‌گیری از آن داشت؟

۲. بندر بوشهر، دروازه ورود کالا

با تثبیت حکومت قاجار و برقراری امنیت نسبی در کشور، زمینه رونق فعالیت‌های اقتصادی نیز فراهم شد. یکی از مناطقی که تحت تأثیر این ثبات نسبی قرار گرفت، بندر بوشهر بود که به تدریج به دروازه ورود کالا به ایران تبدیل شد. استفاده از کشتی‌های بخار که تجارت فصلی بوشهر را به تجارت دائمی تبدیل نمود نقش مهمی در این تحول داشت (فلور، ۱۳۸۹: ۳۵). رونق اقتصادی بوشهر تحت تأثیر روابط سیاسی ایران و انگلستان بود و گهگاه دچار افت می‌شد، مانند حمله نیروی دریایی انگلستان به بندر جنوب، در پی محاصره هرات توسط ایران که در گزارش محمدابراهیم کازرونی مشهود است (کازرونی، ۱۳۶۷: ۵۶). حکومت مرکزی با درک اهمیت روزافزون بوشهر، در دوره ناصرالدین‌شاه اقداماتی برای تکمیل برج و باروی شهر انجام داد که با ایجاد تنش و درگیری مجدد بین ایران و انگلستان ناتمام ماند (حقایق‌نگار، ۱۳۸۰: ۷۵). با این حال ثبات سیاسی دوره طولانی پادشاهی ناصرالدین‌شاه و تحولات بین‌المللی مانند گشایش کانال سوئز، رشد مداوم بوشهر را - به‌رغم مشکلات زیرساختی چون فقدان جاده مناسب و

ضعف الزامات یک بندر از قبیل اسکله، انبار و گمرک‌خانه - تضمین نمود (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۶). افزایش حجم تجارت بندر بوشهر، آن را از یک بندر واقع در مسیر کشتی به مهم‌ترین بندر ترانزیتی ایران بدل ساخت که مرکزی برای ورود کالاها خصوصاً کالاهای وارده از هند و منچستر و ارسال آن به مناطق پس‌کرانه‌ای و داخلی ایران و همچنین صادرات محصولاتی از قبیل گندم و تریاک به کشورهای خارجی به شمار می‌رفت (همان: ۷۱).

عوامل متعددی موجب برتری بوشهر بر سایر بنادر ایران در دوره قاجار شد که از مهم‌ترین آنها مناطق پس‌کرانه‌ای بوشهر بود. این مناطق نسبتاً پرجمعیت بودند و بازار مناسبی به شمار می‌رفتند، علاوه بر این کشاورزی پررونقی داشتند که محصولات صادراتی را تولید می‌کردند. ارتباط نزدیک بازرگانان بوشهر با تجار شیراز و مناطق داخلی کشور مانند اصفهان نیز عامل دیگری بود که بوشهر را از سایر بنادر ممتاز می‌کرد (فلور، ۱۳۸۹: ۵۷). این محصولات طیف گسترده‌ای از میوه‌ها و صیفی‌جات را در بر می‌گرفت. البته شیوه کشت این محصولات سنتی بود، ولی زمینه مناسب برای صادرات آن، موجب تمایل ساکنان این مناطق به این فعالیت می‌گردید (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۲؛ لوریمر، ۱۳۷۹: ۲۱۱؛ کازرونی، ۱۳۶۷: ۵۷).

مجموعه عوامل فوق بوشهر را به بندری پرجنب و جوش بدل ساخته بود که ارتباطات گسترده‌ای با کشورهای دیگر داشت. بیشترین مراودات تجاری با هند و انگلستان بود و از بمبئی سالی پنج تا شش بار سفر به بوشهر صورت می‌گرفت. این مراوده با شرکت انگلیس و الجزایر به

از بازرگانان شهرهای مختلف از قبیل کازرون، بهبهان، برازجان و سایر شهرها تبدیل ساخت. بازرگانان ساکن بوشهر با فهم اهمیت سازماندهی فعالیت‌های خود، در ایجاد شبکه تجاری و تشکیل کمپانی‌های جدید پیشگام بودند. نمایندگی‌های این بازرگانان، علاوه بر شهرهای داخلی، شامل شهرهای متعددی در کشورهای خارجی می‌شد و کمپانی‌های این بازرگانان فعالانه به خرید و فروش کالا در بازارهای داخلی و خارجی می‌پرداخت (همان: ۲۹-۳۰). بازرگانان بوشهری با تأسیس «کمپانی تجارته ایران» و «کمپانی تجاری بوشهر»، با سرمایه یک میلیون روپیه معادل ۳۵۰ هزار تومان، علاوه بر توان اقتصادی، کارآمدی فعالیت‌های خود را به عنوان یک طبقه منسجم نشان دادند (دشتی، ۱۳۸۷: ۱۳۲؛ سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۳؛ حسینی، ۱۳۸۴: ۲۸).

نشانه دیگر جایگاه تجار، القاب و مناصبی است که در دوره قاجاریه برای نشان دادن موقعیت آنها به کار می‌رفت و علاوه بر سلسله مراتب، نوعی انسجام و پیوستگی صنفی را نشان می‌داد که به آنها اجازه می‌داد در مواقع لزوم یکپارچه عمل کنند. معتبرترین لقب، ملک‌التجار بود که در بوشهر برای نخستین بار در سال ۱۲۶۰ ق به حاجی عبدالمحمد کازرونی اعطا شد که در حدود سال ۱۲۱۰ ق ساکن بوشهر شده بود و پدر و پدربزرگش تاجران معروفی بودند و اخلاف وی نیز این لقب را دریافت کردند (دشتی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). وظیفه ملک‌التجار آن بود که ضمن حفظ منافع عمومی صنف خویش، اختلافات تجار را رفع و رجوع کند، به تأدیه قرض مقروضین کمک کند و علل ورشکستگی آنها را تعیین نماید (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۳). البته گاهی امکان داشت چنین القابی از دارنده آن

ماهی یک مسافرت می‌رسید (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۵). علاوه بر هند و انگلستان، کشورهای فرانسه، آلمان، عثمانی و چین نیز تجارت قابل توجهی در بوشهر داشتند (همان: ۷۳). روابط تجاری با کشورهای متنوع بر ترکیب جمعیتی بوشهر نیز تأثیر نهاده بود؛ به گونه‌ای که افرادی از ملیت‌ها و ادیان مختلف در بوشهر سکونت داشتند (لوریمر، ۱۳۷۹: ۱۶۸). در هم تیندن تجارت و رابطه با کشورهای خارجی به‌ویژه هند و انگلستان نوعی فرهنگ تجارت‌پیشگی در بوشهر ایجاد کرده بود که نگرانی خود از ناامنی را با کاهش حجم تجارت نشان می‌داد (چیک، ۱۳۹۲: ۹۷).

۳. زمینه‌های انسجام اجتماعی

از اوایل دوره قاجار برخی تحولات سیاسی و اقتصادی موجب رشد و ارتقاء جایگاه اجتماعی تجار گردید. برخی صفات شخصی مانند امانتداری و سواد کافی و برخورداری از مهارت در نظام خاص معاملات و حساب تجاری جایگاه خاصی به تجار می‌داد. تجار ساکن بوشهر نیز با استفاده از توان اقتصادی فزاینده خود در فعالیت‌های عام‌المنفعه‌ای همچون احداث مدارس، مساجد و کاروانسرا و راه‌اندازی روزنامه و برق‌کشی حضور فعالی داشتند که تا حدودی روحیه تجددخواه ایشان را نشان می‌داد (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۸). تقریباً مقارن با همین تحولات و با تثبیت موقعیت بوشهر به عنوان دروازه ورود کالا به ایران، برخی از شهرهای پس‌کرانه‌ای مانند کازرون به محل مناسبی برای فعالیت‌های تجاری تبدیل و تجار معتبر آنها برای گسترش دامنه فعالیت‌های خود روانه بوشهر شدند. این شرایط بوشهر را به قانونی

محصولات کشاورزی صادراتی، سهم خود را در تجارت بین‌المللی حفظ کنند (سعدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۷).

۴. پیشینه فعالیت‌های اجتماعی

بازرگانان مقیم بوشهر از بدو قدرت گرفتن، منسجم و هدفمند عمل می‌کردند و در نحوه اقدامات ایشان نوعی خرد جمعی و تلاش سازمان یافته مشهود است. برای مثال این بازرگانان در دوره ناصری تشکلی اقتصادی به نام «مجلس وکلای تجارت» تشکیل دادند که از جزئیات فعالیت آن اطلاعی در دست نیست (آدمیت - ناطق، ۱۳۶۵: ۳۳). بازرگانان بوشهر، علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی، توجه ویژه‌ای به اقدامات اجتماعی نشان می‌دادند که نمونه آن کمک‌های ایشان در ساخت و تداوم فعالیت مدرسه سعادت بوشهر، نخستین مدرسه جنوب ایران است. از اقدامات دیگری که بازرگانان کازرونی به ویژه حاج سیدمحمدرضا کازرونی در صدد انجام آن برآمدند تأسیس کارخانه آب شیرین‌کنی است که قرار بود در موقع ضرورت، گندم نیز آرد کند (حمیدی، ۱۳۷۸: ۳۶). سید محمدرضا کازرونی کمی پس از صدور فرمان مشروطیت، برای تأسیس بانک ملی پیش‌قدم شد و آمادگی خود را برای تقدیم پنج هزار تومان بدین منظور اعلام کرد (حسینی، ۱۳۸۴: ۶۳). وی همین پیشگامی و حس میهن‌دوستی را هنگام پذیرفتن نمایندگی شرکت اسلامی اصفهان و خرید منسوجات آن کارخانه به میزان ۳۰۰۰۰ ریال نشان داد که گشایش قابل توجهی در رونق کارخانجات نساجی ایجاد نمود (همان: ۶۶). فعالیت‌های اجتماعی بازرگانان کازرونی مقیم بوشهر مخصوصاً سید محمدرضا کازرونی که با امور

ستانده شود ولی در مجموع القاب مختلفی چون رکن‌التجار، معاون‌التجار، رئیس‌التجار، صدرالتجار، مؤتمن‌التجار، نظام‌التجار و معتمدالتجار حکایت از مراتب اجتماعی و اقتصادی بازرگانان و همچنین رابطه تنگاتنگ آنها با فرمانروایان سیاسی دارد (همان‌جا).

پس از حاج علی‌اکبر تاجر کازرونی که در مدت کوتاهی به ملک‌التجار این بندر تبدیل شد (فسایی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۳۲۳) و منصب یادشده کمابیش به خاندان این بازرگان کازرونی اختصاص داشت؛ آقا محمدعلی (ملک‌التجار دوم) از بزرگ‌ترین بازرگانان ایران محسوب می‌شد؛ تا جایی که فسایی وی را چنین وصف کرده است:

از وفور مال‌التجاره اگر شخص اول نبود در میانه تجار ایران؛ لامحاله در شماره شخص دوم محسوب می‌شده است (همان: ۱ / ۱۳۲۴).

قدرت اقتصادی فراوان و روزافزون این بازرگانان مقارن با ضعف فزاینده دولت قاجار بود و به تدریج به آنها اجازه حضور فعال‌تر در رخدادهای اجتماعی را داد. حاج محمدمهدی بوشهری (کازرونی) ملک‌التجار سوم به واسطه توان اقتصادی بالای خویش بارها ضمانت مالیاتی بوشهر و بنادر را برعهده گرفت (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۰۲؛ حسینی، ۱۳۸۴: ۲۹).

بازرگانان ساکن بوشهر در کنار فعالیت‌های تجاری به سرمایه‌گذاری در زمینه خرید زمین‌های کشاورزی و تولید محصولات متناسب با تقاضای بازارهای خارجی نیز تمایل آشکاری داشتند. علت این رویکرد توان محدود بازرگانان بوشهر و کازرون در مقابل شرکت‌های خارجی بود که آنها می‌کوشیدند با خرید زمین‌های کشاورزی و تولید

سیاسی در رویدادهای مختلف را پیدا کردند و در چنین موضوعاتی نیز وارد می‌شدند. یکی از نخستین نمونه‌های کارکرد جدید تجار ساکن بوشهر را می‌توان در اقدام حاج کاظم ملک‌التجار بوشهری مشاهده کرد که با استفاده از نفوذ قابل‌توجه خود در میان اهالی، با برانگیختن مردم شهر و بردن آنها به تلگراف‌خانه، زمینه عزل محمدرضاخان قوام‌الملک را از حکمرانی بوشهر و بنادر فراهم ساخت (دشتی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). از این نشانه‌ها می‌توان به درک تجار از موقعیت خویش به عنوان یک قشر متنفذ اجتماعی پی برد که تلاش می‌کرد در کشاکش تحولات سیاسی، با اتخاذ مواضع صحیح، موقعیت خود را حفظ کند.

۵. بازرگانان بوشهر در انقلاب مشروطیت

پیروزی انقلاب مشروطیت در جنوب ایران بازتاب زیادی داشت و تجار و کسبه این منطقه از ایران مانند سایر مناطق نقش پررنگی در تحولات آن بازی کردند. تجار و کسبه از مهم‌ترین گروه‌های مخالف شعاع‌السلطنه، حاکم فارس بودند. اقدامات شعاع‌السلطنه در تصرف برخی اماکن از جمله حجره‌هایی از بازار شیراز موجب گسترش نارضایتی عمومی از وی شد و رنگ مشروطه‌خواهی پیدا کرد. به‌زودی این جریان به سایر شهرهای فارس همچون کازرون سرایت یافت و تجار و کسبه با تعطیلی بازار هدایت آن را برعهده داشتند (رنجبر، ۱۳۸۹: ده و پانزده). آنچه در این اعتراضات توجه را جلب می‌کند، درک تجار و کسبه از منافع گروهی و لزوم اقدام هماهنگ در این راستاست. نمونه این درک در سندی که حاکی از اختلاف ملاکان و تجار شیراز است، قابل

خبریه توام بود؛ وجهه ملی و مثبتی به این گروه می‌داد که بر اعتبار و نفوذ کلامشان می‌افزود.

بدین ترتیب عوامل متعددی مانند منافع اقتصادی مشترک، لزوم یکپارچگی برای امکان رقابت با رقبای خارجی و دیدگاه کمابیش مشابه درباره رویکردی که از نظر آنها برای حفظ سنت و توسعه کشور مورد نیاز بود، موجب انسجام بازرگانان و اتخاذ مواضع مشابه در رویدادهای اجتماعی و سیاسی گردید. علاوه بر این، اقدامات عام‌المنفعه بازرگانان ساکن بوشهر، وجهه‌ای مثبت و مقبولیت عامی به این صنف بخشیده بود که به آنها امکان نقش‌آفرینی در عرصه اجتماعی و سیاسی را می‌داد. این مواضع در مراحل نخست بیشتر صبغه صنفی داشت و معطوف به حفظ منافع صنف بازرگانان بود. برای مثال می‌توان به مخالفت تجار با دریافت تعرفه حق‌الارض از کالاهایی که بیش از پانزده روز در گمرک‌خانه می‌ماندند اشاره نمود. پس از اعلام این تعرفه جدید توسط حکمران بنادر، تجار تحصن کردند و با ارسال تلگراف به دربار خواهان تجدیدنظر در این تصمیم شدند. این حرکت منسجم به مخابره دستور امین‌السلطان به حکمران بنادر جهت لغو تعرفه جدید منجر شد (وقایع/اتفاقیه، ۱۳۶۲: ۳۸۵-۳۸۶). نمونه دیگر از اقدامات بازرگانان بوشهر در جهت منافع صنفی، مخالفت ایشان با افزایش میزان عوارض گمرکی از ۲ درصد به ۵ درصد است که در سال ۱۳۱۷ق و هماهنگ با بازرگانان سایر شهرهای ایران روی داد؛ هرچند به نتیجه مطلوب ایشان منتهی نشد (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

تجار ساکن بوشهر به تدریج با افزایش توان اقتصادی و جایگاه اجتماعی، امکان مداخلات

مشاهده است که در آن «تجار و کسبه رسماً از جدایی منافع و اهداف خود از ملاکان یاد می‌کنند» (همان: بیست و دو).

در بوشهر هم تجار هوادار جنبش مشروطیت بودند. این هواداری در دوره پیش از مشروطیت هم مسبوق به سابقه بود. برای مثال گزارشی از اشاره ملک‌التجار به «مجلس مبعوثان» در صحبت با عین‌الدوله وجود دارد که این دلبستگی را به خوبی نشان می‌دهد (کتاب نازنجی، ۱۳۶۷: ۱۰۲)؛ هرچند مشخص نیست این پیشنهاد تحت تأثیر چه عواملی ارائه شده است. تعامل بازرگانان بوشهری با مشروطیت در دوره پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، به شکل مشارکت در نمادهای نظام جدید از قبیل مجلس ایالتی تیلور می‌یافت. انتخابات مجلس دوره اول طبق نظامنامه، با تشکیل انجمن نظار، که ظاهراً برای نظارت بر انتخابات تاسیس شده بود، در منزل ملک‌التجار و با تأکید سیدمحمدرضا کازرونی و حاجی باقر بر انجام دقیق انتخابات برگزار شد (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۰۵). گزارشی که روزنامه مظفری از نحوه واکنش بازرگانان کازرونی مقیم بوشهر نسبت به سالگرد صدور فرمان مشروطیت ارائه کرده است تا حدودی موضع فعال ایشان را نشان می‌دهد؛ زیرا بانی جشن سالگرد مشروطه بازرگانان کازرونی بودند (حمیدی، ۱۳۷۸: ۱۴۵-۱۴۶).

پس از پیروزی انقلاب مشروطه، در بوشهر نیز مانند سایر شهرهای فعال درزمینه‌های سیاسی، انجمن محلی تشکیل شد. در این انجمن سه نفر از بازرگانان کازرونی به نمایندگی از اقشار مختلف حضور یافتند: حاج سیدمحمدرضا کازرونی و حاج میرزا غلامحسین کازرونی به نمایندگی از اعیان و

میرزاعلی کازرونی به نمایندگی از صنعتگران (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۶۱). از میان این سه نفر، میرزاعلی کازرونی، ملقب به لسان‌المله، به واسطه نقشی که بعدها در مجلس شورای ملی ایفا کرد شناخته‌شده‌تر است؛ ولی حاج سیدمحمدرضا کازرونی نیز در رخدادهای سیاسی جنوب ایران در دوران مشروطیت و جنگ جهانی اول نقش مهمی داشت. از اشارات کنسولگری بریتانیا در بوشهر می‌توان تا حدودی به اهمیت اقدامات این شخصیت پی برد. مثلاً در گزارش مورخ ۱۲ مه ۱۹۰۷، درخواست معین‌التجار و افتخارالتجار از حاج عبدالرسول (عضو انجمن محلی بوشهر به نمایندگی تجار) و سیدمحمدرضا کازرونی برای تهیه و ارسال سیاهه کاملی از اسلحه و مهمات و دیگر کالاهای قاچاق ضبط شده به دست مدیران بلژیکی، جهت ارائه به مجلس شورای ملی اشاره شده است (همان: ۶۷).

در گزارش مورخ ۲۶ مه ۱۹۰۷ به برگزاری انتخابات مجدد انجمن محلی و برگزیده شدن حاج سیدمحمدرضا از سوی بازرگانان اشاره مختصری شده است (همان: ۷۲). در گزارش مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۷، اختلاف حاج عبدالرسول و حاج سیدمحمدرضا و تأثیر این دو در پیشبرد امور مورد تأکید قرار گرفته است (همان: ۷۸). در گزارش مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۰۷ بار دیگر به تأثیر حاج سیدمحمدرضا در تصمیمات انجمن محلی و نحوه استدلال وی اشاره‌ای شده که در نوع خود جالب است (همان: ۸۱). گزارش مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۰۸ نیز به نکته‌ای توجه کرده که هم نشان از توان اقتصادی حاج سید محمدرضا دارد و هم تعلقات ملی و مذهبی وی را نشان می‌دهد. وی پیشنهاد کرده بود که سرباخانه‌ها

۱۳۲۷: ۱۳).

۶. ارتباط بازرگانان بوشهر با مخالفان انگلستان

در جنبش جنوب

ایل قشقایی: ماهیت فعالیت بازرگانان و نحوه عملکرد ایلات در زمان مورد بحث موجب می‌شد رابطه این دو گروه چندان حسنه نباشد. معمولاً در فصل کوچ، ایلیاتی‌ها با ساکنان حومه شهرها برخورد پیدا می‌کردند (اخگر، ۱۳۶۶: ۱۲۰). در رقابت‌های درون ایلی، امنیت جاده‌ها به مخاطره می‌افتاد و بازرگانان دچار ضرر می‌شدند. اگر یکی از طرفین رقابت‌های درون ایلی، حاکم نواحی مجاور راه اصلی می‌شد رقبا می‌کوشیدند با ایجاد ناامنی، موقعیت وی را متزلزل نشان دهند. نمونه این مدعا در سال ۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۲م که محمدعلی-خان کشکولی - کلاتر یکی از طوایف ایل قشقایی - حاکم کازرون شد رخ داد (کتاب آبی، ۱۳۶۹: ۱۸۰۷/۶). بنابراین توضیحات رابطه تجار و خوانین قشقایی را می‌توان با واژه «شکننده» توصیف نمود؛ بدین معنا که طرفین می‌کوشیدند از تقابل با یکدیگر بهره‌مند و در صورت امکان با یکدیگر همکاری داشته باشند. همکاری بازرگانان بوشهر با خوانین قشقایی در دوره نخست جنبش جنوب بر همین مبنا ممکن شد. با این حال تضادهایی که به لحاظ ساختاری بین الگوی زندگی ایلیاتی و شهری وجود داشت، در دوره دوم به این همکاری پایان داد.

روحانیان: بازرگانان مقیم بوشهر در جریان جنبش جنوب با وضعیت پیچیده‌ای مواجه بودند که تصمیم‌گیری و تعیین موضع را برای ایشان

را - که وضعیت اسفباری داشتند - در نقطه‌ای دیگر بازسازی کند و دولت مخارج آن را به صورت اقساط به او بپردازد (همان: ۸۹).

بازرگانان بوشهر که همچون سایر بازرگانان جنوب ایران به تدریج به گروهی متنغد و صاحب نظر در رخدادهای سیاسی تبدیل شده بودند، چند سال پس از مشروطیت که ناامنی جاده بوشهر - شیراز به دولت انگلستان بهانه لازم را برای اعلام اولتیماتوم به دولت ایران داده بود؛ از متنفدان و سران فارس خواستند اختلافات داخلی را ترک و در «رفع اغتشاش و استقرار هیئت طرق شوارع قیام» کنند (ترکمان، ۱۳۷۰: ۲۴۹). اعتماد به نفسی که توان اقتصادی و اعتبار سیاسی - اجتماعی به بازرگانان داده بود و پیگیری منافع گروهی - که با ناامنی راه‌ها به خطر افتاده بود - در این درخواست کاملاً آشکار است و در حوادث جنبش جنوب ایران نمایان‌تر شد.

نمونه دیگر مربوط به ماجرای تصرف بوشهر و گمرکات به رهبری سیدمرتضی اهرمی و همراهی سران و خوانین دشتی و تنگستان است که در پی به توپ بستن مجلس به فرمان محمدعلی‌شاه و تلاش برای تعطیلی مشروطیت روی داد، ولی ناامنی‌های متعاقب آن موجب سرخوردگی تجار بوشهر گردید که خواهان آرامش اوضاع بودند (مشایخی، ۱۳۸۶: ۴۸). روزنامه *حبل‌المتین* نیز به موضع واحد تجار بوشهری در قبال پیشنهاد سیدمرتضی اهرمی برای تقبل موجودی گمرک به مبلغ هفتصد تومان اشاره‌ای دارد که حاکی از عدم تمایل بازرگانان سرشناس برای پذیرش چنین مسئولیتی است. ظاهراً تنها کسی که این مسئولیت را تقبل نمود میرزا غلامحسین تاجر کازرونی بود که آن هم به نتیجه نرسید (*حبل‌المتین*، ۱۵ رجب

و حاکم کمارج، از توابع کازرون، آنها را نسبت به نقش ناصر دیوان کازرونی در این حوادث بدگمان ساخت و به دنبال چند نوبت درگیری وزد و خورد، سرانجام قوای ژاندارمری ناصر دیوان را متواری و به انتقام شکست‌های قبلی، بازار و بازرگانان را غارت کردند. علمای نجف در چند نوبت نامه‌نگاری از ناصر دیوان خواستند نسبت به استرداد اموال بازرگانان از ژاندارم‌ها اقدام کند (مطهری‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۸).

با وجود این، برخی مواقع در نظر گرفتن ملاحظات بازرگانی بر احساسات مذهبی می‌چربید. کنسولگری انگلستان در بوشهر در ژانویه ۱۹۱۲ اشاره‌ای به رواج احساسات ضداجنبی در پی مجالس وعظ و روضه کرده است و در ادامه اضافه می‌کند

این موضوع (احساسات مذهبی) در شهر چندان رواج نیافت و علت آن بی‌تفاوتی طبقه تجار بود که به اهمیت تجارت، به‌خصوص تجارت انگلستان؛ پی می‌بردند (مشروطیت جنوب ایران، ۲۸۵).

خوانین: منطقه جنوب ایران، به‌ویژه مناطق حاشیه جاده شیراز - بوشهر، که از دیدگاه این پژوهش حائز اهمیت است؛ دارای خوانین کوچک و بزرگ متعددی بود که معمولاً با یکدیگر رقابت و خصومت داشتند. این خوانین درآمد خود را از محل عوارض راهداری که به صورت قانونی یا غیرقانونی گرفته می‌شد، تأمین می‌کردند. به همین دلیل نوع رفتار آنها بر جریان داد و ستد و رونق تجاری تأثیر می‌گذاشت. در یک نگاه کلی می‌توان گفت روابط بازرگانان ساکن بوشهر با برخی از خوانین، خوب و با برخی دیگر تیره بود. منطقه بین دالکی تا کازرون نمونه‌ای از رابطه تیره این

مشکل می‌کرد. از سویی آنها رابطه‌ای بسیار خوب و دارای قدمت با روحانیان داشتند و تبعیت از علما را وظیفه‌ای مذهبی تلقی می‌کردند؛ و از سوی دیگر در برخی موارد این تبعیت مستلزم ضررهای مادی بود و همین موضوع بر نحوه موضع‌گیری ایشان تأثیر می‌نهاد. به عنوان یک نمونه می‌توان به حکم تحریم معامله و معاشرت با انگلیسی‌ها توسط میرزا ابراهیم مجتهد در ذی‌حجه ۱۳۲۹/ دسامبر ۱۹۱۱ اشاره کرد که به دنبال ورود مستحفظان جدید برای کنسولگری انگلستان در شیراز صادر شد. این حکم فشار فراوانی بر انگلیسی‌ها وارد ساخت و موجی از اعتراض به حضور آنها در ایران ایجاد نمود. شرکت‌های تجاری خارجی برای جلوگیری از ضرر و زیان به وزیر خارجه انگلیس متوسل شدند و سرانجام حکم رفع تحریم با پادرمیانی علمای نجف صادر گشت (ترکمان، ۱۳۷۰: ۳۱۳). بدیهی است تحریم انگلیسی‌ها از لحاظ مادی برای بازرگانان بوشهر، که عمده مایحتاج ایشان را تأمین می‌کردند، زیان‌های مادی دربرداشت که در کوتاه‌مدت قابل تحمل بود ولی در صورت طولانی شدن می‌توانست بر روش بازرگانان تأثیر بگذارد. البته رابطه آنها با علما از چنان عمقی برخوردار بود که در مواقع مورد نیاز از منافع بازرگانان دفاع شود.

یکی از نمونه‌های جالب دفاع علما از بازرگانان، در ماجرای غارت بازار و اجناس بازرگانان کازرونی به دنبال درگیری ناصر دیوان، کلانتر موروثی کازرون و ژاندارمری کازرون اتفاق افتاد. زمانی که نیروهای ژاندارمری در اوایل ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م با هدف برقراری نظم و امنیت در کازرون وارد شهر شدند، چند درگیری بین ایشان

خوب ناصر دیوان با بازرگانان کازرونی در نامه یکی از این بازرگانان کاملاً هویدا است. در بخشی از این نامه آمده:

شرح اظهار مرحمت التفات خودتان را نسبت به عموم تجار، علی الخصوص... مرقوم (فرموده‌اید). خداوند انشاءالله تعالی این وجود مبارک را که الان تمام تجار بلکه تمام اهالی فارس دعاگوی وجودش هستند پایبند و مستدام بدارد ... (مطهری‌زاده، ۱۳۸۳: سند ۶۴).

خوانین ضدانگلیسی منطقه بوشهر و تنگستان از قبیل رئیس‌علی (خان دلوار)، زائر خضرخان اهرمی (خان تنگستان) و شیخ حسین‌خان چاه‌کوتاهی (خان منطقه چاه‌کوتاه) نیز با بازرگانان بوشهر روابط خوبی داشتند. حاج شعبان کازرونی - یکی از بازرگانان معروف مقیم بوشهر که به دلیل فعالیت‌های ضد انگلیسی خود تحت تعقیب آنها قرار داشت - به شیخ حسین چاه‌کوتاهی پیوست و به او در مبارزه با قوای انگلیسی کمک‌های زیادی رسانید (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۲). نمونه دیگر روابط خوب این بازرگانان با خوانین منطقه جنوب، روابط حاج سیدمحمد رضا کازرونی با رئیس‌علی دلواری است که بر مبنای مخالفت با نفوذ انگلستان در جنوب و دفاع از منافع ملی و با تقسیم وظایف به مبارزه نظامی و پشتیبانی مالی شکل گرفته بود (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۱۲: ۸۰).

دولت‌ها و شرکت‌های خارجی: از اواخر قرن

نوزدهم بازرگانان ایرانی منطقه جنوب ایران که خطر سیطره اقتصادی شرکت‌های خارجی را احساس کرده بودند، کوشیدند با ایجاد شرکت‌هایی مانند شرکت ناصری که حمل و نقل مسافر بین بوشهر و جده را تأمین می‌کرد، در مقابل ایشان

بازرگانان بود. حسن ملک‌زاده هیربد، که خود مدتی به عنوان افسر ژاندارمری در آنجا خدمت می‌کرد، درباره خصوصیت خوانین آن نوشته است: در هر آبادی، علاوه بر عشایر، هر کدخدا و خان منطقه حوزه نفوذ واستحفاظی داشت که با عده‌ای تفنگچی از قوافل باج گرفته و آنها را بدرقه می‌کردند (ملک‌زاده هیربد، ۱۳۲۸: ۱۱).

عوارض، بدون حساب و کتاب و ملاک خاصی گرفته می‌شد و گاهی داروندار مسافران و بازرگانان را گرفته و آنها را غارت می‌کردند (اخگر، ۱۳۶۶: ۹۹-۱۰۰). معمولاً در این موارد بازرگانان با ارسال تلگراف به مرکز اعلام شکایت می‌کردند (ایران و جنگ جهانی اول، ۱۳۶۹: ۱۲۵). البته همه خوانین به این صورت با بازرگانان رفتار نمی‌کردند؛ بیشتر آنها روابط خوبی با بازرگانان ساکن بوشهر داشتند و در جنبش جنوب به صورت متحد عمل می‌کردند. نمونه شاخص این خوانین ناصر دیوان کازرونی بود که به عنوان کلانتر موروئی کازرون در جنبش جنوب نقش بارزی داشت و همواره از جریان امن تجارت حمایت می‌کرد.

علائق ملی مذهبی وی و مخالفتش با دولت‌های بیگانه به‌ویژه انگلستان در جنوب ایران مشهور بود و همین خصوصیات بازرگانان کازرونی مقیم بوشهر و در رأس آنها میرزا علی کازرونی را بر آن داشت در سال ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م از وی برای مقابله با حضور نظامی انگلستان در جنوب ایران یاری بطلبد (سایکس، بی تا (ب): ۲۵؛ مطهری‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۱). بنا به قولی، وی ستون نظامی انگلیسی‌ها که در اجرای قرارداد ۱۹۰۷ (بین انگلستان و روسیه) عازم شیراز بود را در سه فرسخی کازرون تار و مار کرد (همانجا). روابط

مقاومت نمایند (حائری، ۱۳۶۴: ۱۳۰-۱۳۱). معروف‌ترین شرکت‌های انگلیسی که موفق‌تر از همه بودند، کدینگتون (coddington)؛ لمب (lamb)؛ النجر (elenger)؛ ودیکسن (Dixon) بودند (وضع اقتصادی ایران، ۱۳۷۶: ۱۴۶). ولی موفقیت‌های انگلیسی‌ها در اواخر قرن نوزدهم مورد تهدید واقع شد؛ آلمان‌ها رقبای تازه نفسی بودند که با تلاش بی‌وقفه به نتایجی دست یافتند. ونکهاوس (wonckhous) شرکتی آلمانی بود که توانست در بنادر خلیج فارس شعبه‌های فعالی دایر کند. تجارت‌خانه‌های ونکهاوس «تمام اشیای ممکن را از آلمان حمل کرده به خلیج فارس می‌آوردند و در برگشت محصولات بومیان را خیلی گران‌تر از آنچه انگلیسی‌ها می‌خریدند، خریده به آلمان حمل می‌کردند» (وادالا، ۱۳۵۶: ۵۸). حضور آلمانی‌ها در خلیج فارس نخست مسالمت‌آمیز بود و آنها سعی می‌کردند حساسیت بریتانیا را برنیاگزینند، ولی پس از آنکه اهداف بلندپروازانه‌ای مانند راه‌آهن بغداد به خلیج فارس را دنبال کردند، انگلیسی‌ها احساس خطر کردند و به تقابل با این فعالیت‌ها روی آوردند (برومند، ۱۳۸۱: ۴۰۰). علاوه بر آلمان‌ها روس‌ها هم بیکار ننشسته بودند. پس از آنکه نخستین کشتی بخار روسی در سال ۱۳۱۹ق/ ۱۹۰۱م در بوشهر پهلو گرفت، به تدریج بر فعالیت اقتصادی این کشور در خلیج فارس افزوده شد (همان: ۳۹۶) و کالاهای خود را به بازارهای جنوب ایران سرازیر کردند:

تا همین اواخر تجارت قماش در شیراز کلاً به انگلستان و هند وابسته بود؛ با این حال اخیراً حجم کثیری از کالاهای روسی وارد شیراز شده است، به طوری که وقتی از بازار رد می‌شدم مغازه‌ها از کالاهای مسکوی پر بود (وضع اقتصادی ایران، ۱۳۷۶: ۱۴۶).

این گزارش متعلق به سال ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵م است. با این تفصیل انگلیسی‌ها کماکان قدرت برتر سیاسی و اقتصادی خلیج فارس بودند و آمار صادرات و واردات بندر بوشهر در سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۳-۱۹۱۴م برتری مذکور را نشان می‌دهد؛ «زیرا مقصد و مبدا بیش از نیمی از کالاهای صادره و وارده بندر بوشهر؛ هند انگلستان و بریتانیای کبیر بود» (وادالا، ۱۳۵۶: ۹۱-۹۳). برتری سیاسی - نظامی انگلستان در خلیج فارس با برتری اقتصادی توأم شده بود و روز به روز انحصاری‌تر می‌شد؛ تا آنجا که تجارت اسلحه برای ایرانیان ممنوع و قاچاق بود، ولی برخی از تجار مانند برادران مالکم و مصطفی نواب با استفاده از تابعیت بریتانیایی این تجارت را به سهولت انجام می‌دادند (برومند، ۱۳۸۱: ۲۸۱-۲۸۳). بدیهی است که چنین شرایطی برای بازرگانان ساکن بوشهر ناخوشایند بود و آنها باید چاره‌ای برای این وضعیت می‌جستند. رخدادهای بعدی نشان داد بازرگانان با پیوستن به جرگه مخالفان دولت بریتانیا، هم در صدد حفظ موقعیت اقتصادی خود بودند و هم این اقدام را عمل به وظیفه ملی و مذهبی تلقی می‌کردند.

۷. بازرگانان بوشهر و جنبش جنوب ایران (دوره اول)

در نتیجه تحولات جهانی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، خلیج فارس اهمیت راهبردی فراوانی یافت که کشمکش دول بزرگ زمان را ابتدا در قالب رقابت‌های اقتصادی و سپس به صورت درگیری نظامی به این آبراهه بین‌المللی کشانید. از سوی دیگر بازرگانان بوشهر که با یک قرن تلاش مداوم موقعیت اقتصادی و اجتماعی برجسته‌ای یافته بودند و خود را با خطر نفوذ روزافزون

تصمیم گرفتند راه چاره‌ای بیابند (همان: ۱۵۶). در چنین شرایطی یکی از علمای مشروطه‌خواه جنوب ایران به نام سیدمرتضی اهرمی در اول ربیع‌الاول ۱۳۲۷/۲۳ مارس ۱۹۰۹ با کمک سید صفی‌تفنگچی تنگستانی به ریاست رئیس‌علی دلواری، بدون خونریزی بندر بوشهر را تصرف نمود و بلافاصله «در حالی که تعدادی از روحانیون و تجار او را همراهی می‌کردند، رهسپار خانه حاکم شد و پرچم مشروطیت را در آنجا به اهتزاز در آورد» (مشروطیت جنوب/ایران، ۱۳۸۶: ۱۵۸). هر چند در این گزارش به اسامی بازرگانان اشاره نشده، ولی در برخی از منابع از نقش میرزاعلی کازرونی در این رخداد نام برده شده است. علاوه بر نقشی که وی در دعوت از رئیس‌علی برای تصرف بوشهر داشت، با همدستی سید مرتضی اهرمی و رئیس‌علی نظارت بر ادارات دولتی مخصوصاً گمرک را برعهده گرفت (رکن‌زاده‌آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۲).

ظاهراً سید مرتضی اهرمی قبل از این اقدام با برخی از تجار شامل میرزاعلی کازرونی در این خصوص مشورت لازم را نموده بود (دشتی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). میرزاعلی کازرونی، ملقب به لسان‌المله، که علاوه بر این رخداد در سایر حوادث جنبش جنوب ایران نقش مهمی ایفا کرد، از بازرگانان کازرونی مقیم بوشهر بود که پس از مدتی خدمت در تجارت‌خانه محمدحسن کازرونی و ابراز لیاقت به‌صورت مستقل به کار تجارت پرداخت. ولی با شروع انقلاب مشروطه سعی خود را مصروف مبارزه با نفوذ انگلستان و ایجاد اتحاد بین خوانین منطقه جنوب نمود. معین‌التجار بوشهری که در دوره اول مجلس به نمایندگی انتخاب شده بود، با ارسال تلگرافی به سیدمرتضی اهرمی، از او

خارجی مواجه می‌دیدند، با اهتمام به ضعف فزاینده دولت مرکزی ایران، برای دفاع از موقعیت خویش بایستی رویکرد جدیدی اتخاذ می‌کردند. از سوی دیگر کشاکش مشروطه‌خواهان و هواداران نظام قدیم در تهران که به واقعه به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر منتهی شده بود، تصمیم‌گیری را برای بازرگانان دشوار می‌کرد؛ زیرا درگیری گروه‌های متخاصم داخلی و خارجی می‌توانست جریان امن تجارت را دچار مخاطره کند. با این حال بازرگانان بوشهر در این دوراهی جانب مشروطه‌خواهان و روحانیان هوادار این جریان را گرفتند. می‌توان گفت تمایلات تجددخواهانه و مناسبات ریشه‌دار با نهاد روحانیت در این موضع‌گیری مؤثر بود. بنابراین ترکیبی از انگیزه‌های مذهبی و اقتصادی، بازرگانان بوشهر را به مخالفت با استبداد و هواداری از مشروطه‌خواهان تشویق نمود.

هم‌زمان با دوره استبداد صغیر جریان تجاری در منطقه جنوب ایران و به‌ویژه در مسیر بوشهر تا شیراز شرایط نامساعدی داشت که تا حدودی نتیجه ضعف دولت مرکزی و قدرت گرفتن خوانین محلی بود که در بسیاری از مواقع برای پیشبرد اهداف خود بازرگانان بوشهر را تهدید می‌کردند که مال‌التجاره آنها را به خطر خواهند انداخت و گاهی این تهدید عملی می‌شد (مشروطیت جنوب/ایران، ۱۳۸۶: ۱۴۸-۱۴۹). در همین زمان علمای عتبات عالیه به تجار عمده بوشهر نامه نوشته بودند تا از پرداخت عوارض گمرکی به مدیران بلژیکی گمرک خودداری کنند. بازرگانان بوشهر از سویی نمی‌خواستند خلاف میل علما رفتار کنند و از سوی دیگر قطع ارتباط با گمرک ادامه فعالیت اقتصادی آنها را با اشکال مواجه می‌کرد. پس

از سوی دیگر تصرف بوشهر، مخصوصاً گمرک آن، بر انگلیسی‌ها گران آمد و چون گمرک بوشهر در ازای وامی که مظفرالدین‌شاه گرفته بود در رهن آنها قرار داشت، خواهان رسیدگی به موضوع شدند. سیدمرتضی نخست قول مساعد داد ولی کم‌کم سررشته امور از دست وی خارج شد و برخی تفنگچی‌های منتسب به او، بدون دستور گرفتن از سید یا شخص دیگری، به اقدامات خودسرانه خود ادامه دادند (همان‌جا). به نظر می‌رسد در هفته‌های نخست تصرف بوشهر توسط سیدمرتضی و تفنگچی‌هایش، تا مدتی عواید گمرک به سه نفر از تاجران عضو انجمن ولایتی شهر تحویل داده می‌شد و آنها می‌کوشیدند با تعیین مقرری مشخص برای سید و تفنگچی‌ها، جلوی بی‌نظمی را بگیرند (همان‌جا). انگلیسی‌ها که از نفوذ شخصیت مستقلی مانند سیدمرتضی اهرمی در بوشهر ناراضی بودند، تلاش کردند از طریق مذاکره با تاجران عضو انجمن به توافق برسند، ولی موفقیتی کسب نکردند (همان‌جا)؛ بدین ترتیب ترجیح دادند از قوه قهریه استفاده کنند. نیروی دریایی انگلستان ناو فاکس (fox) را روانه بوشهر کرد و این بندر را در ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ / ۱۰ آوریل ۱۹۰۹ بدون مقاومت اشغال کرد.

به موازات این تحولات، تلاش‌هایی برای بازگرداندن دریایی‌گی به بوشهر در جریان بود و رایزنی‌هایی با علمای نجف صورت گرفت. آشکار نیست دقیقاً چه گزارش‌هایی و از سوی چه کسانی به علما منعکس شده بود که سرانجام آخوند خراسانی از سیدمرتضی اهرمی خواست با دریایی‌گی همکاری کند. این در حالی است که آنها از ابتدا حامی وی بودند (مشایخی، ۱۳۸۶: ۴۸).

خواست روش معتدلانه‌ای در پیش بگیرد و نسبت به شاه از لحن ملایمی استفاده کند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۱۵۸). این توصیه تاحدودی علائق و دل‌مشغولی‌های تجار را نشان می‌دهد. آنها با مشاهده ضعف دولت مرکزی و به خطر افتادن مسیرهای تجاری در نتیجه قدرت گرفتن خوانین محلی نگران وخامت اوضاع بودند و در جدال مشروطه و استبداد، مایل به مشروطیت بودند ولی از سوی دیگر نگران بودند اقدامات نسنجیده سیدمرتضی اهرمی یا هوادارانش شرایط را پیچیده‌تر کند. در همین راستا معین‌التجار پیام محمدعلی‌شاه را به سیدمرتضی ابلاغ کرد که در آن به وی وعده مقرری پانصدتومان ماهانه و همچنین اعطای لقب نظام‌العلماء قید شده بود (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

موضوع دیگری که پای تجار را به میان کشید نگهداری و نحوه هزینه کردن عایدات گمرک بود. سیدمرتضی اهرمی برای نظارت بر نحوه هزینه کردن درآمد گمرک مایل بود عایدات آن نزد یکی از تجار امانت باشد ولی ظاهراً آنها تمایلی به انجام چنین تکلیف دشواری نداشتند (حبل‌المتین، ۲۰ شعبان ۱۳۲۷: ص ۱۳). سرانجام مقرر شد میرزاغلامحسین تاجر کازرونی این وظیفه را عهده‌دار شود؛ هرچند از قراین چنین برمی‌آید که پولی به وی پرداخت نشد (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۱۵۹). ظاهراً دستمزد تفنگچی‌هایی که در تصرف بوشهر به سیدمرتضی کمک کرده بودند از محل عایدات گمرک پرداخت می‌شد و در مواقعی که درآمد گمرک برای این منظور کافی نبود، آنها بی‌نظمی‌هایی به وجود می‌آوردند و گاهی به مغازه‌های بازار دست‌اندازی می‌شد (همان: ۱۶۱).

شدند (رنجبر، ۱۳۸۹: ۹۳). سرانجام دریابگی تصمیم به مقابله گرفت و پس از دو نوبت درگیری بین طرفین، منزل سیدمرتضی با گلوله‌های توپ تخریب و وی ناچار به تسلیم شد. روز ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۷ جمعی از رؤسای لشکری و کسبه و تجار در عمارت امیریه تجمع کردند و با تنظیم یک استشهادیه، با استناد به نامنی و بی‌نظمی شهر، خواهان تبعید سید از بوشهر گردیدند. سیدمرتضی را دستگیر و به کشتی مظفری منتقل و پس از ۱۸ روز توقیف، به نجف اشرف تبعید کردند (مشایخی، ۱۳۸۶: ۵۱).

به نظر می‌رسد بی‌نظمی‌هایی که در طی ایام تسلط سیدمرتضی بر بوشهر در بازار رخ داد و بر نامنی سابق جاده‌ها افزوده شد، مهم‌ترین انگیزه تجار برای تغییر موضع و مخالفت با وی بود. جاده شیراز - بوشهر کاملاً ناامن شده و می‌توان گفت مسدود بود. ضعف حکومت محلی و دولت مرکزی به راهزنان چنان جسارت بخشیده بود که عبور از جاده با خطر از دست دادن مال و حتی جان مساوی بود و در چنین شرایطی تمایل بازرگانان برای بازگرداندن نظم به شهر و جاده‌ها قابل انتظار می‌نمود. بررسی آمار و حجم تجارت بندر بوشهر در ۱۳۲۶-۱۳۲۷ق نیز مؤید این نارضایتی است. حجم تجارت بوشهر در این بازه زمانی در کل به ۳۲۵ هزار پوند کاهش یافت که ۲۵۹ هزار پوند آن مربوط به واردات و ۶۶ هزار پوند آن مربوط به صادرات بود (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

پس از مدت کوتاهی که کاروان‌های تجاری حرکت خود در مسیر بوشهر به شیراز را از سرگرفتند، بار دیگر اختلافات صولت‌الدوله قشقایی با خاندان قوام موجب مسدود نمودن جاده

مجموعه این تحولات تاحدودی بر موضع بازرگانان بوشهر تأثیر گذاشت و گروهی از آنان، ضمن مذاکره با سیدمرتضی، از وی خواستند عایدات گمرک از طریق بانک شاهی به حساب سه نفر از تجار خوشنام واریز شود و علاوه بر آن خواهان صورتحساب عایدات قبلی گمرک شدند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۱۶۴). به نظر می‌رسد مشکلاتی که برای بازار به وجود آمده بود و اخبار واصله از عتبات در این تغییر موضع مؤثر بوده است. ضمن آنکه ورود دریابگی به بوشهر و برعهده گرفتن ریاست انجمن شهر هم کفه ترازو را به نفع مخالفان سیدمرتضی سنگین کرده بود (مشایخی، ۱۳۸۶: ۴۸). وی در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷، با تجار عمده بوشهر شامل حاج عبدالرسول، حاج سیدمحمد رضا کازرونی و حاج میرزا غلامحسین کازرونی دیدار نمود و هرچند از محتوای مذاکرات آنها اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از آنجا که بلافاصله بعد از این جلسه تجار یادشده روانه انجمن شده و نامه‌ای خطاب به سیدمرتضی تهیه کردند که در آن از وی خواسته شده بود تفنگچی‌های خود را از بوشهر خارج کند، تردیدی نیست که دریابگی در اتخاذ این تصمیم مؤثر بوده است (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۱۷۸). یک هفته بعد، در ادامه این تحولات، دریابگی از تهران درخواست اعزام نیرو کرد و به تشویق وی سه نفر از تجار عمده بوشهر به کنسول انگلستان مراجعه کردند و از او خواستند در پشتیبانی از درخواست دریابگی، تلگرافی به تهران ارسال کند (همان: ۱۸۰). یک هفته پس از این اقدام، انجمن ولایتی تلگرافی به وزارت خارجه ارسال نمود که در آن ضمن شکایت از اقدامات سیدمرتضی و نامنی شهر، خواهان کسب تکلیف

تعطیلی تجارت شده بود، پایان دهد (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۴۶). دولت انگلستان که هیچ فرصتی را برای افزایش حضور و نفوذ در جنوب ایران از دست نمی‌داد و این سیاست را نوعی توازن با روسیه در چارچوب قرارداد ۱۹۰۷ به شمار می‌آورد، در ۱۰ شوال ۱۳۲۸ / ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰، با استفاده از نارضایتی عمومی و به بهانه عدم امنیت طرق و شوارع، اولتیماتومی به دولت ایران داد مبنی بر اینکه چنانچه ظرف مدت سه ماه نظم و امنیت به جاده‌ها برنگردد، دولت بریتانیا خود این وظیفه را برعهده خواهدگرفت و برای این منظور «قوه امنیه‌ای مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر در تحت فرمان یک عده از صاحب‌منصبان انگلیس از قشون هند برای حفظ راه‌های منظور در محل تشکیل» خواهد داد (کتاب‌آبی، ۱۳۶۹: ۴ / ۹۴۸). ولی برخلاف انتظار، این اولتیماتوم با واکنش شدید مردم ایران روبه‌رو شد که در این میان بازرگانان بوشهر نقش ویژه‌ای داشتند. تلگرافی از علما و تجار بوشهر به متنفذان فارس ارسال شد و از ایشان خواست «در رفع اغتشاش و استقرار هیئت طرق و شوارع قیام» کنند (ترکمان، ۱۳۷۰: ۲۴۹). ظاهراً میرزا علی کازرونی در تهیه و ارسال این تلگراف نقش مهمی داشته و مبتکر آن بوده است (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۴۳-۲۴۴).

این موضع‌گیری نشان داد که هرچند بازرگانان بوشهر از ناامنی‌ها آسیب دیده بودند ولی با نفوذ خارجی هم مخالف بودند. آنها می‌خواستند امنیت با ائتلاف نیروهای داخلی حاصل شود. رخدادهای بعدی جنبش جنوب ایران نشان داد که آنها در تحلیل خود به خطا نرفته بودند؛ زیرا تفرقه بین خوانین و سایر مخالفان انگلیس در جنوب ایران یکی از مهم‌ترین اسباب ناکامی جنبش بود. با

شد (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۱۱). یک بار دیگر بازرگانان بوشهر بایستی زیان را متحمل می‌شدند و در ضعف حکومت مرکزی به قدرت‌های محلی امید می‌بستند. در محرم ۱۳۲۸ صولت‌الدوله، ایلخان قشقایی، حاضر شد به شرط تغییر مسیر تجاری به راه جره - فیروزآباد امنیت آن را برعهده بگیرد؛ ولی چون حاکم فارس حاضر به سپردن چنین تعهدی نبود، بازرگانان از بیم از دست دادن سرمایه خود، کاروان‌های تجاری را حرکت نمی‌دادند (کتاب‌آبی، ۱۳۶۹: ۴ / ۸۰۹). در همین بحبوحه آخوند خراسانی که از رفتار دریابگی با سیدمرتضی اهرمی ناخرسند بود، نخست با ارسال تلگراف به دریابگی خواهان پس دادن اموال غارت شده و تعمیر منزل سیدمرتضی اهرمی که در جریان درگیری قبلی تخریب شده بود، گردید (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۰۳) و پس از مدتی از رئیس‌التجار بوشهر خواست که با همکاری سایر تجار مقدمات برکناری دریابگی را فراهم کند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۲۷). این درخواست هرچند میزان تأثیرگذاری بازرگانان بوشهر را نشان می‌داد، ولی در عین حال حاکی از تنگنای سختی بود که آنها در آن بایستی بین روابط خوب با روحانیت و مقتضیات اقتصادی یکی را انتخاب می‌کردند.

در این دوره، عدم امنیت تنها به جاده‌های خارج از شهر اختصاص نداشت و شهرها هم ناامن بودند. روزنامه *حبل‌المتین* در گزارشی از اوضاع آن زمان کازرون، این ناامنی را به‌خوبی توصیف کرده است (*حبل‌المتین*، ۲۷ صفر ۱۳۲۹: ص ۱۴). کسبه و تجار فارس نیز در همین زمان، ضمن تحصن در انجمن ایالتی فارس، از دولت مرکزی خواستند به هرج و مرج و ناامنی مسیرهای تجاری که موجب

می‌رسد، منطق اقتصادی است؛ زیرا تحریم کالاهای انگلیسی در آن شرایط که بازرگانان عمده، حجم زیادی کالای انگلیسی خریده بودند، ضرر هنگفتی به ایشان وارد می‌کرد.

مجموعه رخدادهایی که پس از اولتیماتوم دولت انگلستان به ایران اتفاق افتاد، تاحدودی دولت ایران را به تکاپو انداخت تا برای امنیت جاده‌ها، مخصوصاً جاده شیراز - بوشهر اقدامی انجام دهد. این اقدام در قالب تشکیل ژاندارمری بروز یافت. افسران سوئدی به ریاست یالمارسون در تابستان ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م وارد ایران شدند و تشکیلات ژاندارمری را پی ریختند. اقداماتی که ژاندارمری نوپا برای ایجاد امنیت در جاده شیراز - بوشهر انجام داد، باعث بروز درگیری با ناصردیوان کازرونی شد و پس از چند نوبت درگیری، درنهایت ژاندارمری غالب و ناصردیوان از شهر خارج شد. ژاندارم‌ها به انتقام شکست در درگیری قبلی، بازار و برخی از خانه‌های کازرون را غارت کردند. حتی برخی از بازرگانان به اتهام حمایت از ناصردیوان در معرض خطر اعدام قرار گرفتند که کلنل مریل (Merrill) - از افسران خارجی ژاندارمری - به زحمت آنها را نجات داد (جنگ جهانی در جنوب ایران، ۱۳۷۳: ۱۷).

اوضاع کازرون «تأسف‌انگیز» گزارش می‌شد و چند تن از علمای نجف خواهان جبران خسارت‌های وارده به بازرگانان شدند (مطهری‌زاده، ۱۳۸۳: اسناد شماره ۱۸-۲۲). از سوی دیگر بازرگانان معتبر بوشهر برای جمع‌آوری اعانه و کمک به غارت‌شدگان اعلام آمادگی کردند (حبل‌المتین، جمادی‌الاولی ۱۳۲۹: ۲۰). طرفین درگیری برخورد را به‌صورت‌های گوناگون بیان کرده‌اند. مابری، مورخ

این‌حال دقت در آمار صادرات و واردات گمرک بوشهر حاکی از روند نزولی حجم تجارت این بندر بود که بخشی از آن به کشف نفت در خوزستان و تغییر راهبرد تجاری انگلستان و بخشی دیگر به تداوم ناامنی در منطقه جنوب و کاهش مبادلات تجاری مربوط بود (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۴). دقت در پیام‌هایی که بین تجار شیراز و بوشهر مبادله می‌شد نشان می‌دهد که در تابستان ۱۳۲۹ق، همچنان ناامنی بر جاده‌ها حکمفرما بود و بازرگانان ترجیح می‌دادند از ارسال مال‌التجاره خودداری کنند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۷۲).

چندی بعد دولت بریتانیا برای حفظ امنیت کنسولگری خود تعدادی مستحفظ وارد شیراز نمود که واکنش مجدد اهالی جنوب ایران را در پی داشت. در ذیحجه ۱۳۲۹میرزا ابراهیم مجتهد هرگونه معامله و معاشرت با انگلیسی‌ها را تحریم کرد. این تحریم از لحاظ تأمین آذوقه و انجام امور جاری مشکلات زیادی برای انگلیسی‌ها به وجود آورد (کتاب آبی، ۱۳۶۹: ۶/ ۱۴۲۲). به نظر می‌رسد این تحریم بیشتر در شیراز مؤثر واقع شد، زیرا بازرگانان بوشهر که این اقدام را اشتباه می‌دانستند، چنین استدلال کردند:

آنها برای خرید کالاهای انگلیسی سفارشات زیادی داده و وجوه آن را نقدا پرداخت کرده ولذا نمی‌توانند کالاهای انگلیسی را تحریم کنند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۸۲).

سرانجام تصمیم گرفته شد روحانیون به شیراز تلگراف زده و برای مدتی معین موضوع تحریم کالاهای انگلیسی را به تعلیق درآورند تا تجار بتوانند کالاهایشان را از گمرک ترخیص کنند (همان). تنها دلیلی که برای چنین موضعی به ذهن

انگلیسی، ناصر دیوان را فردی نظم‌گریز می‌دانست که به همین دلیل با ژاندارمری درگیر شد (مابری، ۱۳۶۹: ۴۶۶). مخبر السلطنه، حاکم فارس، ژاندارم‌ها را مقصر قلمداد می‌کرد و معتقد بود آنها درگیری را راه انداختند تا بازار و خانه‌ها را غارت کنند (هدایت، ۱۳۴۴: ۲۵۹). سایر منابع نیز با جهت‌گیری مشابهی به این رویداد پرداخته‌اند ولی فارغ از اینکه چه کسی را مقصر این رویداد بدانیم، زیان وارده بر بازرگانان و کسبه انکارناپذیر است.

هرچند ظاهراً ژاندارم‌ها برای تأمین امنیت راه‌ها و سلامت کاروان‌های تجاری وارد فارس شده بودند ولی چون در آن مقطع حقوق‌بگیر انگلستان بودند و حافظ منافع ایشان محسوب می‌شدند، در بین مردم و بازرگانان وجهه خوبی نداشتند. البته این نقش بعدها دگرگون شد. تحلیل فلوریدا سفیری این حالت را بهتر توضیح می‌دهد:

کازرونی‌ها دست انگلستان را پشت ماجرا می‌دیدند و نفرت و ترسشان از ژاندارم‌ها و هم از پلیس جنوب که پس از ژاندارمری تأسیس شد، به‌جا بوده است (سفیری، ۱۳۶۴: ۳۷-۸)

وی عنصر اعتراض را علیه قدرت مرکزی و دولت‌های بزرگ، در ناآرامی‌ها مشاهده کرده و همین عنصر را عامل همدردی آنها با آلمان‌ها در آغاز جنگ جهانی می‌داند (همان: ۷-۴۶).

در بوشهر، مقارن با شروع جنگ جهانی اول، بدبینی شدیدی نسبت به اهداف انگلیسی‌ها ایجاد شده بود. سال‌ها حضور مستقیم و غیرمستقیم انگلستان در جنوب ایران و بوشهر و دخالت در رخدادهای گوناگون که پس از قرارداد ۱۹۰۷ با افزایش شمار نیروهای نظامی توأم شده بود، زمینه مناسبی برای اقدام علیه نیروهای انگلیسی فراهم کرد.

در همین زمان در ایالت فارس، و به‌ویژه شیراز، نیز برآیند رخدادهای مقابله با سیاست‌های انگلستان در جنوب ایران بود. در همین ایام، ورود و اساموس به جنوب ایران به عنوان کنسول آلمان در شیراز، بر سرعت تحولات مذکور افزود. وی با زیرکی از دام‌های متعددی که انگلیسی‌ها بر سر راهش پهن کرده بودند، گریخت و خود را به شیراز رسانید. در موفقیت و اساموس عوامل متعددی نقش داشت. نخست مهارت وی در برانگیختن احساسات ضدانگلیسی خوانین و افراد متنفذ بود. سیاست‌های نامقبول انگلستان و موضع‌گیری روحانیون علیه ایشان نیز به اساموس کمک شایانی کرد. پس از ورود او به شیراز و استقبال گسترده از وی، انگلیسی‌ها که خطر را جدی می‌دیدند، دست به کار شدند و دکتر لیستمان، کنسول آلمان در بوشهر و نماینده شرکت ونکهاوس، را به جرم جاسوسی دستگیر کردند. این اقدام خشم اهالی بوشهر را برانگیخت (هدایت، ۱۳۴۴: ۲۷۰). انگلیسی‌ها نسبت به فعالیت‌های افسران سوئدی ژاندارمری نیز اظهار بدگمانی می‌کردند و حتی مدعی بودند آنها اسلحه و فشنگ را به نام ژاندارمری وارد کرده و محرمانه به آلمانی‌ها می‌دهند. هر چند این ادعا چندان پذیرفتنی نبود، ولی رویدادهای بعدی نشان داد که رابطه افسران ژاندارمری با آلمانی‌ها بسیار بهتر از انگلیسی‌ها است.

اطلاعاتی که از فعالیت بازرگانان بوشهر در بحبوحه آغاز جنگ جهانی در دست داریم، حکایت از تلاش‌های فردی و پراکنده دارد و از یک اقدام هماهنگ و جمعی اطلاعی موجود نیست. مانند jm رخدادهای گذشته میرزاعلی کازرونی یکی از افراد فعال در این تلاش‌های انفرادی بود. وی پس از آنکه از اقدام مؤثر

مسجد جامع بوشهر تجمع کردند و علیه انگلستان و بوشهر شعار دادند (چیک، ۱۳۹۲: ۹۴-۹۶). بدیهی است در چنین فضایی تجار که عموماً اعتقادات مذهبی استوار و روابط خوبی با روحانیت داشتند با این تمایل عمومی همراه شدند. با این حال تبعات نامنی مسیرهای تجاری کماکان آنها را با مشکل مواجه و ناچار می‌کرد برای جلب حمایت به صولت‌الدوله متوسل شوند (همان: ۱۰۳).

در طی ماه‌های نخست سال ۱۳۳۳ ق جو ضد انگلیسی در بوشهر در حال تشدید بود. بسیاری از مغازه‌های بازار بسته و گهگاه تجمعاتی علیه انگلستان برگزار می‌شد، تجارت کاملاً با رکود مواجه بود و بیکاری افزایش داشت (همان: ۱۰۷، ۱۲۹). علاوه بر بوشهر در شهرهای پسرکانه‌ای مانند کازرون که به تجارت با بوشهر متکی بودند نیز رکود شدید حاکم بود و موجب نارضایتی کسبه و تجار شده بود (حبل‌المتین، شعبان ۱۳۳۳: ص ۲۰). بدین ترتیب بازرگانان بوشهر بار دیگر بایستی بین منافع اقتصادی و علائق مذهبی دست به انتخاب می‌زدند. جلسه حاج محمدرضا کازرونی با ناصردیوان و واسموس نشان از این انتخاب دشوار داشت. نایب کنسول بریتانیا در بوشهر این رفتار را با این تهدید پاسخ می‌داد: «حاج [محمد] رضا گویا در اندیشه سرمایه کلانش در بوشهر نیست» (همان: ۱۳۵). با توجه به جایگاه و نفوذ حاج محمدرضا کازرونی می‌توان موضع وی را به عموم بازرگانان بوشهر تعمیم داد.

سرانجام پس از چندماه زمینه‌چینی واسموس و دیدارهای خوانین جنوب از جمله زایر خضرخان اهرمی، رئیس‌علی دلواری، شیخ‌حسین خان چاه-کوتاهی و غضنفرالسلطنه برازجانی که با اقدامات

مرکز نشینان در مقابل تجاوزات انگلستان ناامید شد با ارسال تلگرافی به تهران اعلام کرد مجاهدین جنوب تصمیم گرفته‌اند بدون امید به کمک مرکز از خاک وطن در مقابل دشمن دفاع کنند (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۴۹: ۵۹). به نظر می‌رسد وی در ارتباط میان مجاهدین تنگستانی و کازرونی هم نقش داشته است.

موضوع دیگری که در برانگیختن خشم عمومی علیه انگلیسی‌ها مؤثر واقع شد، دستگیری حاج‌علی تنگستانی، کدخدای ریشهر - از توابع بوشهر - بود. وی با موقرال‌دوله، حاکم بوشهر و بنادر، درگیری‌های متعددی داشت و موقرال‌دوله با کمک قوای نظامی انگلستان، ضمن به توپ بستن و غارت خانه و اموالش، چند تن را کشته و خود وی را دستگیر کرد. این اقدام تردیدی برای مبارزه با انگلیسی‌ها باقی نگذاشت (فرامرزی، ۱۳۷۷: ۲۳)؛ زیرا چند تن از علمای متنفذ مانند شیخ محمدحسین برازجانی و سید مرتضی اهرمی و سید عبدالحسین مجتهد لاری در اعتراض به رفتارهای قوای انگلیسی اعلان جهاد دادند. در این میان شیخ محمدحسین برازجانی طی نامه‌ای به سرپرسی کاکس، کنسول انگلستان در بوشهر نسبت به مداخلات بریتانیا در جنوب ایران اعتراض کرد که میرزا علی کازرونی با چاپ و انتشار نامه سرپرسی کاکس و پاسخ شیخ محمدحسین در بوشهر و جراید شیراز نقش مهمی در گسترش نارضایتی نسبت به انگلیسی‌ها و آغاز جنبش جنوب بازی کرد (همان: ۲۴). در همین زمان انتشار خبر صدور فتوای جهاد در عثمانی و عراق هیجان زیادی در ایران برانگیخت. در بوشهر بازار بسته شده بود و مردم در انتظار تعیین تکلیف بودند. اهالی شهر در

مخالفتان بود؛ ولی میرزاعلی کازرونی دشمن شماره یک انگلیسی‌ها موفق شد قبل از دستگیری به برازجان بگریزد (فرامرزی، ۱۳۷۷: ۲۷). تعدادی از کسانی که بازداشت شدند از کسبه و بازرگانان بودند. اهالی کازرون که نمی‌توانستند در مقابل چنین اقدامی ساکت بنشینند با ارسال تلگراف به مرکز، اعتراض خود را نشان دادند (یاحسینی، ۱۳۷۶: ۱۴۶، ۱۵۰). درگیری‌های طرفین بر تجارت تأثیر نامطلوبی نهاد. هرچند داخل شهر بوشهر به نسبت آرام بود، ولی مسیرهای تجاری ناامن و تجارت تقریباً متوقف بود (حبل‌المتین، ۱۸ شوال ۱۳۳۳: ص ۵-۶).

قوای انگلیسی که حملات رئیس‌علی را فراموش نکرده بودند به دلوار نیز حمله و آنجا را با کشتی گلوله‌باران کردند (مابری، ۱۳۶۹: ۱۳۸-۱۴۲). درگیری تنگستانی‌ها و نیروهای انگلیسی پس از حمله به دلوار نیز ادامه یافت و نیروهای مشترک رئیس‌علی و شیخ‌حسین چاه‌کوتاهی بار دیگر بر قوای دشمن حمله کردند که در نتیجه آن سیزده نفر از سربازان انگلیسی و هندی کشته شدند. این حمله در شوال ۱۳۳۳/ اوت ۱۹۱۵ رخ داد (همان: ۱۴۳).

مبارزات تنگستانی‌ها با پشتیبانی عاطفی عموم مردم ایران همراه بود ولی بار پشتیبانی اقتصادی آن را برخی علاقمندان به وطن بر دوش داشتند که در رأس آنها سیدمحمدرضا کازرونی قرار داشت. وی با پرداخت هزینه خرید اسلحه از مسقط و تحویل آن به مجاهدین نقش مهمی در این مبارزات ایفاکرد و انگلیسی‌ها علی‌رغم اطلاع ضمنی از این اقدامات به دلیل نداشتن مدرک نمی‌توانستند با وی برخورد آشکاری داشته باشند (حمیدی، ۱۳۷۸: ۲). چندی بعد رئیس‌علی‌خان برای شبیخون زدن بر نیروهای انگلیسی عازم تنگک در حوالی بوشهر

تحریک‌آمیز انگلیسی‌ها برای حمله مصمم شده بودند، نخستین برخورد پیش آمد. در ۳۰ شعبان ۱۳۳۳/ ۱۲ ژانویه ۱۹۱۵ قوای انگلیسی که از حمله قریب‌الوقوع خوانین جنوب آگاه شده بودند، برای بررسی موضوع به محل تجمع تنگستانی‌ها نزدیک شدند و در حمله‌ای غافلگیرانه پنج کشته که دوتن از آنها افسر بودند بر جای گذاشتند (مابری، ۱۳۶۹: ۱۲۶). در تلگراف‌هایی که بین مارلینگ، سفیر انگلستان در ایران و حکومت هند بریتانیا رد و بدل گردید، قرار شد با تهدید، دولت ایران را وادار به پذیرش چهار خواسته نمایند:

تنبيه خان‌هایی که در حمله به بوشهر دست داشته‌اند؛ پرداخت خونبهای تلفات وارده؛ خلع سلاح؛ بازداشت و اسارت یا اخراج عمال آلمان در ایران و احضار والی فارس (همان: ۱۲۷).

یکی دیگر از توصیه‌های حکومت هند تصرف بوشهر و گمرک‌خانه و ضبط عایدات آن و همچنین جلوگیری از عبور مال‌التجاره به داخل ایران بود (همان: ۱۲۷). عملی شدن توصیه اخیر می‌توانست واکنش بازرگانان را برانگیزد ولی گزارشی از نوع واکنش آنان نسبت به این تحولات در دست نیست.

در طول ماه رمضان طرفین از درگیری پرهیز می‌کردند ولی انگلیسی‌ها به تدریج با رسیدن قوای کمکی و چند کشتی جنگی طرح اشغال بوشهر را عملی کردند. این عملیات که در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳/ ۸ اوت ۱۹۱۵ صورت پذیرفت بازتاب وسیعی در کشور داشت. انگلیسی‌ها پس از تصرف گمرک و سایر ادارات، به ژاندارمری مستقر در بوشهر اعلام کردند که شهر را تخلیه کنند (اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، ۱۳۷۷: ۱۱۸). اقدام بعدی آنها جست و جوی خانه به خانه برای دستگیری

در راستای اهداف مجاهدین عمل نماید (فرامرزی، ۱۳۷۷: ۴۲). در ذی‌حجه ۱۳۳۴/۱۶ اکتبر ۱۹۱۵، طی مراسمی رسمی، بوشهر با حضور یکی از فرماندهان انگلیسی به دریاییگی تحویل داده شد و پرچم ایران جایگزین پرچم بریتانیا شد.

هرچند از مواضع بازرگانان بوشهر در این حوادث اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی به نظر می‌رسد روابط بازرگانان بوشهر و انگلیسی‌ها به وخامت گراییده بود؛ زیرا نایب کنسول بریتانیا در این شهر علت عدم رغبت بازرگانان به فعالیت تجاری را به‌صراحت «هراس از مصادرهٔ اموال و کالا و سرمایه» آنها توسط قوای انگلستان ذکر می‌کند (چیک، ۱۳۹۲: ۱۵۹). اکثر بازرگانان نسبت به توقف مسیر تجاری نیز نگران بودند. تعدادی از بازرگانان مقیم شیراز به همکاران خود در بوشهر خبر دادند که با تغییر مسیر کاروان‌ها به شیف (منطقه‌ای در حومه بوشهر) موافقت. انگلیسی‌ها مایل بودند مسیر تجاری را که از برازجان و احمدی به بوشهر می‌رسید به شبانکاره تغییر دهند تا ضمن بهره‌مندی خوانین شبانکاره و انگالی، که از متحدین آنها محسوب می‌شدند، بر شیخ حسین‌خان و زائرخضرخان که از مسیر سابق منتفع می‌شدند، فشار وارد آورند (فرامرزی، ۱۳۷۷: ۶۲). این موضع‌گیری‌ها نشان‌دهنده استفاده انگلیسی‌ها از اهرم‌های تجاری و اقتصادی برای فشار آوردن بر خوانین و تجار مخالف و بالا بردن هزینه فعالیت‌های سیاسی ایشان بود. سران جنبش جنوب با درک این شریط می‌کوشیدند در موارد معدودی که قدرت چانه‌زنی داشتند - مانند زمانی که بر سر شرایط آزادی اسرای خارجی با انگلیسی‌ها مذاکره می‌کردند - منافع تجار حامی خود را نیز لحاظ کنند. یکی از شروط سران جنبش برای آزادسازی اسرا، رفع توقیف از پول‌های

گردید ولی در بحبوحه نبرد از پشت سر مورد اصابت گلوله واقع و کشته شد (مابری، ۱۳۶۹: ۱۵۰). انگیزه قاتل که از افراد محلی بود، به‌درستی مشخص نیست ولی احتمالاً رقابت‌های محلی در این سوء قصد بی‌تأثیر نبوده است. درخاتمه مجلس ختم رئیس‌علی در شیراز، شیخ جعفر محلاتی، از علمای این شهر اعلام کرد به قصد یاری رسانیدن به مجاهدین تنگستانی عازم بوشهر خواهد گردید. تصمیم وی در شهرهای دیگر نیز بازتاب گسترده‌ای داشت؛ در کازرون این خبر چنان شور و غوغایی به راه انداخت که نوجوانان نیز آماده جنگ شدند (روزنامه/ستخر، س ۳۵، ش ۱۵۱۹: ۱). کمی پس از این رویداد، جمعی از افسران ایرانی ژاندارمری با کمک تعدادی از مخالفان سیاست‌های انگلستان گروهی به نام کمیته حافظین استقلال ایران تشکیل دادند و زمام امور شیراز را در دست گرفتند. مهم‌ترین اقدام گروه، دستگیری اعضای کنسولگری بریتانیا و تعدادی از خارجیان مقیم شیراز و اعزام آنها به عنوان اسیر به اهرم نزد مجاهدین تنگستانی بود (مابری، ۱۳۶۹: ۱۶۹). در این زمان، در کازرون اعلامیه‌ها و فتاوی جهاد پخش می‌شد، عده‌ای برای کمک به تنگستانی‌ها عازم بوشهر شدند و هنگام عبور اسرای خارجی از کازرون، مردم با ابراز شادی، تنفر خود را از اقدامات انگلستان در جنوب ایران نشان می‌دادند (مطهری‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۳). از سوی دیگر حرکت شیخ جعفر و مجاهدین همراهش در برازجان متوقف گردید؛ زیرا با توافق میرزاعلی کازرونی، سیدمرتضی و شیخ جعفر، قرار شد دریاییگی، حاکم سابق بوشهر و بنادر، نامزد حکومت بوشهر شود، به این شرط که پس از تحویل گرفتن شهر

تجار بود (چیک، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

بوشهر برای کمک به چنین هدفی تلاش زیادی کردند تا زمینه آزادسازی اسرای خارجی را فراهم کنند. واسطه انگلستان برای مذاکره با زائر خضرخان همین تجار بودند که به نزدیک شدن طرفین کمک شایانی کردند (چیک، ۱۳۹۲: ۱۸۴).

ولی این آرامش دیری نپایید. انگلیسی‌ها پس از آن که در سایر جبهه‌های جنگ تا حدودی از فشار آزاد شدند، در صدد تشکیل یک نیروی نظامی در جنوب ایران برآمدند؛ امری که از چند سال پیش در جستجوی آن بودند ولی هر بار به دلیلی کامیاب نشده بودند. سرپرسی سایکس بدین منظور مأموریت یافت و با استفاده از سیاست تفرقه و ایجاد انفعال در میان مخالفان انگلیس، در انجام مأموریت خویش موفق گردید؛ درحالی که اگر همه خوانین و گروه‌های مخالف انگلستان به‌صورت هماهنگ دست به اقدام می‌زدند، قطعاً به چنین توفیقی دست نمی‌یافت (گرکه، ۱۳۷۷: ۴۰۳-۴۰۶). تأسیس پاسگاه پلیس جنوب در کازرون با واکنش قاطعانه ناصر دیوان روبه‌رو شد؛ حمله غافلگیرانه وی به این پاسگاه و پاسگاه‌های مشابه در حوالی کازرون غنایم متعددی شامل یک عراده توپ در اختیار ناصر دیوان قرارداد و ارتباط شیراز و بوشهر را قطع نمود. تلاش‌های اولیه پلیس جنوب برای سرکوب ناصر دیوان ناکام ماند و حتی میان کتل و دشت ارژن (منطقه‌ای بین کازرون و شیراز) نیز توسط وی تسخیر شد و نیروهای پلیس جنوب در پاسگاه دشت ارژن اسیر شدند (مابری، ۱۳۶۹: ۲۷۴؛ مطهری‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۶۶). چنین دستاورد بزرگی که قاعدتا باید بازرگانان را به شوق وامی‌داشت، با سکوت معنادار ایشان روبه‌رو گردید. شاید دلیل چنین سکوتی آن بود که اختلاف

۸. بازرگانان بوشهر و جنبش جنوب ایران (دوره دوم)

بازرگانان بوشهر در تحولات بعدی جنبش جنوب شامل تصرف شیراز و سرکوب افسران ژاندارمری مخالف انگلستان توسط ابراهیم‌خان قوام، شخصیتی که خود و پدرانش به روابط خوب با انگلیسی‌ها مشهور بودند، متارکه انگلیسی‌ها با شیخ حسین‌خان و زائر خضرخان در شوال ۱۳۳۴/ اوت ۱۹۱۶؛ تشکیل پلیس جنوب توسط انگلیسی‌ها و خلع سلاح پاسگاه پلیس جنوب توسط ناصر دیوان کازرونی، موضع‌گیری خاصی نداشتند. نام بازرگانان سرشناس در اسناد مربوط به این رویدادها به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد با تداوم درگیری‌ها در جنوب ایران و متوقف شدن تجارت در نتیجه ناامنی، آنها به تدریج انگیزه‌های اولیه خود را از دست داده بودند. ولی درعین حال میل نداشتند صریحاً با جریان مبارزه با انگلیس مخالفت نمایند؛ بنابراین ترجیح می‌دادند صبر پیشه کنند، به این امید که درگیری‌ها خاتمه یابد. روایتی که روزنامه *حبل‌المتین* از گرفتن اعانه «به قوه جبریه» از کسبه و تجار و استفاده از آن برای «نهب کسبه خشت»، از توابع کازرون، به جای حمله به دشمن، به دست می‌دهد تا حدودی فاصله گرفتن مخالفان انگلستان از یکدیگر را در جنوب ایران نشان می‌دهد (*حبل‌المتین*، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۴: ص ۱۹-۱۸). آرامش موقتی که در میانه سال ۱۳۳۴ق بر بوشهر و حوالی آن حاکم شد، اندکی از رکود تجاری کاست؛ با این حال مسیرهای تجاری همچنان مسدود بود و برای بازگشایی آن بایستی طرفین کاملاً دست از مخاصمه می‌کشیدند. تجار

آرامش دعوت کنند. ظاهراً حکومت بنادر و نایب کنسول انگلستان در بنادر به حاج احمد قول داده بودند در مقابل این اقدام از تجارت اصلی وی که خرید و فروش قماش بود، حمایت خواهند کرد (چیک، ۱۳۹۲: ۲۱۵). نیمه دوم سال ۱۳۳۵ق با همین تلاش‌ها ادامه یافت. جاده بوشهر به شیراز در کازرون مسدود بود و طرفین در نوعی آتش‌بس غیررسمی به سر می‌بردند. تجار در چنین شرایطی تمایلی برای فعالیت کامل نداشتند و ترجیح می‌دادند در انتظار نتیجه نهایی منازعات بنشینند (همان: ۲۳۰).

در اوایل سال ۱۳۳۶ق دستگیری چند تن از طایفه دره شوری - از طوایف ایل قشقایی - به اتهام سرقت، توسط یک گروهان پلیس جنوب، با واکنش کلانتر این طایفه روبه‌رو گردید و پس از درگیری شدیدی که در خان‌زنیان (بیست مایلی شیراز) رخ داد، پاسگاه منطقه تیموری (هشت مایلی خان‌زنیان) توسط قشقایی‌ها محاصره و تعدادی از افراد این پاسگاه اسیر شدند (سایکس، بی تا الف): (۷۲۳). صولت‌الدوله که در خان‌خبیص مستقر شده و با حکم جهاد علما قوت قلب پیدا کرده بود، پس از چند مکاتبه با فرمانفرما، حاکم فارس و با مقامات مرکز، تصمیم به جنگ با پلیس جنوب گرفت. با شروع درگیری، ناصر دیوان نیز با ۴۰۰ تفنگچی کازرونی به قوای قشقایی پیوست و در مرحله نخست، پاسگاه پلیس جنوب در خان‌زنیان را خلع سلاح کرد. تلاش نیروهای مشترک قشقایی کازرونی برای تصرف شیراز - به‌رغم محاصره آن - ناکام ماند و پس از تلفات زیادی که توپخانه پلیس جنوب به ایشان وارد کرد، مجبور به عقب‌نشینی گردیدند (همان: ۷۷۶). انتشار اخبار درگیری‌ها

صولت‌الدوله با محمدعلی‌خان کشکولی - که از سوی فرمانفرما، حاکم فارس، به حکومت کازرون منصوب شده بود - موجب تجدید بحران در مسیرهای تجاری و توقف فعالیت تجاری بازرگانان بوشهر شده بود (چیک، ۱۳۹۲: ۲۰۰). در صفر ۱۳۳۵/۱۷ دسامبر ۱۹۱۶ شکست تلاش قوای پلیس جنوب برای تصرف کازرون در گردنه‌های صعب‌العبور مشهور به کتل پیرزن و کتل دختر، انعکاس وسیعی در جنوب ایران داشت. بیانیه‌ای به نام کازرون در شیراز منتشر می‌گردید که همه را به مبارزه با انگلستان دعوت می‌کرد. افسران ژاندارمری و اعضای حزب دمکرات فارس در توزیع این بیانیه نقش داشتند (سفیری، ۱۳۶۴: ۱۳۵).

اقدامات پلیس جنوب در سایر نواحی فارس هم واکنش‌هایی را برانگیخت که مهم‌ترین آن درگیری قشقایی‌ها با این نیروی نظامی بود. هم‌زمان با اوج‌گیری تنش بین پلیس جنوب و مخالفان آن، سرپرسی سایکس همه تلاش خود را به تسطیح جاده‌ها، احداث خطوط تلگراف و آموزش نیروهای پلیس جنوب معطوف کرد تا در برخوردهای احتمالی از آن استفاده کند (همان: ۲۳۷). در این زمان تسلط نسبی انگلستان بر بوشهر و حوالی آن به تجار اجازه می‌داد کالاهای خود را تا برازجان حمل کنند و پس از آن با پرداخت حق‌العبور به صولت‌الدوله بار خود را به شیراز برسانند (چیک، ۱۳۹۲: ۲۱۳). ولی شرایط برای بازگشت جریان تجارت به حالت عادی فراهم نبود. بنابراین برخی از بازرگانان بوشهری مانند حاج احمد کازرونی به تشویق دریابگی بر آن شدند که با استفاده از سابقه دوستی با شیخ حسین‌خان چاه‌کوتاهی و صولت‌الدوله، آنها را به

هیجان اندکی در بوشهر ایجاد نمود و برخی از مغازه‌ها بسته شد ولی ناآرامی از این فراتر نرفت (چیک، ۱۳۹۲: ۲۴۹). مقایسه نحوه واکنش تجار و کسبه بازار بوشهر به درگیری قوای قشقایی با انگلستان نسبت به چند سال پیش به‌خوبی گویاست و حکایت از خستگی آنها از تداوم رکود تجاری دارد. همین مقایسه را می‌توان در مورد پنخس خبر تقویت قوای انگلستان در بوشهر با اشغال این شهر در سه سال پیش انجام داد که اولی به هیجان عمومی و مشارکت اکثر مردم از جمله بازرگانان در مخالفت با انگلستان انجامید و دومی تنها «هیاھوی کم‌رنگی» ایجاد نمود که نتیجه خاصی در پی نداشت (همان: ۲۵۶).

در همین زمان انگلیسی‌ها از سویی با کمک فرمانفرما در صدد جلب رضایت تهران برای عزل صولت‌الدوله از مقام ایلخانی‌گری قشقایی بودند و از سوی دیگر موفق شدند برادر ناتنی صولت‌الدوله را به همکاری با خود راضی نمایند. در نتیجه ایل قشقایی به دو دسته موافق و مخالف صولت‌الدوله تقسیم گردید. پس از این اتفاقات، کازرونی‌ها که اختلافاتی با قشقایی‌ها پیدا کرده بودند، از ادامه نبرد دست کشیدند (مطهری‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۸۸) و انگلیسی‌ها ضمن تعقیب صولت‌الدوله در فیروزآباد به سوی کازرون نیز پیشروی کردند. تنگستانی‌ها در مقابل قوای تازه‌نفس انگلیسی کاری از پیش نبردند و هریک به گوشه‌ای پناه بردند و جاده شیراز - کازرون که سه سال مسدود شده بود، با تصرف میان‌کتل - منطقه‌ای بین شیراز و کازرون - بازگردید (سایکس، بی تا الف): (۷۸۶) و بازرگانان بوشهر براساس رویکرد جدید خود در مقابل این رخداد و این مرحله از جنبش

جنوب نیز واکنشی نشان ندادند.

۹. نتیجه

بازرگانان بوشهر با توجه به موقعیت جغرافیایی این شهر در طول قرن نوزدهم توان اقتصادی زیادی کسب کردند و به یک گروه اجتماعی مؤثر تبدیل شدند. آنها از ابتدای انقلاب مشروطه با انگیزه‌های مختلف مذهبی، سیاسی و اقتصادی و با پشتوانه توان مالی خود به تأثیرگذاری بر رویدادهای سیاسی جنوب ایران و از جمله مقابله با نفوذ سیاسی و اقتصادی انگلستان علاقه‌مند شدند.

نفوذ روزافزون انگلستان در جنوب ایران که از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، در اوایل قرن بیستم پای رقبای بین‌المللی آن کشور را به این منطقه باز کرد. این وقایع موجب قطب‌بندی گروه‌های اجتماعی، خوانین، شخصیت‌های متنفذ جنوب ایران و حتی مردم عادی به موافقان و مخالفان انگلستان گردید که بازرگانان بوشهر با انگیزه‌های متعدد، از جمله دفاع از منافع ملی، حفظ منافع گروهی و داشتن رابطه نزدیک با روحانیان - که مخالف نفوذ اجنبی بودند - به جمع مخالفان انگلستان پیوستند و در دوره اول جنبش جنوب تا جایی که امکان داشت به آن کمک کردند. ولی در پی طولانی شدن درگیری‌ها در جنوب ایران، که مسدود شدن مسیرهای تجاری و گسترش ناامنی را در پی داشت، بازرگانان بوشهر که ادامه این وضع را نامطلوب ارزیابی می‌کردند و از دستیابی به اهداف اولیه جنبش ناامید شده بودند، به تدریج از فعالیت در جنبش جنوب کناره گرفتند و چون مخالفت آشکار با آن را خلاف رویه سیاسی و اجتماعی خویش می‌دیدند، ترجیح دادند در قبال

- به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- فلور، ویلم؛ یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۸۹). بوشهر، دروازه تجاری ایران در خلیج فارس. ترجمه غلامعلی تمهید. بوشهر: شروع.
- کازرونی، محمدابراهیم (۱۳۶۷). تاریخ بنادر و جزایر خلیج [فارس] در زمان محمدرشاه قاجار، ۱۱۵۰ تا ۱۲۶۴. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: جهانگیری.
- کتاب آبی (۱۳۶۹). به کوشش احمد بشیری. جلد ۳ و ۶. تهران: نور.
- کتاب نارنجی. (۱۳۶۷). به کوشش احمد بشیری. جلد ۱. چاپ دوم. تهران: نور.
- گرکه، اولریخ (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق. ترجمه پرویز صدری. تهران: کتاب سیامک.
- لوریمر، ج، ج (۱۳۷۹). راهنمای خلیج فارس، تاریخ و جغرافیای استان بوشهر. ترجمه سیدمحمدحسن نبوی. شیراز: نوید.
- مابری، فردریک جیمز (۱۳۶۹). عملیات در ایران. ترجمه کاوه بیات. تهران: رسا.
- مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۶). «تحلیلی بر عملکرد مشروطه‌خواهان بوشهر». زمانه. سال ششم. شماره ۵۹. ص ۴۵-۵۲.
- مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر (۱۳۸۶). ترجمه حسن زنگنه. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر.
- مطهری‌زاده، موسی (۱۳۷۸). جنبش ضداستعماری جنوب و آزادیخواهان کازرون. تهران: نشر قو.
- مطهری‌زاده، موسی (۱۳۸۳). ناصر دیوان کازرونی به روایت اسناد. تهران: کازرونیه.
- ملک‌زاده هیربد، حسن (۱۳۲۸). سرگذشت حیرت‌انگیز یک افسر و کارمند ارشد دولت. بی‌جا [بی‌نا].
- وادال، ر (۱۳۵۶). خلیج فارس در عصر استعمار. ترجمه شفیق جوادی. تهران: سحاب کتاب.
- وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس (۱۳۶۲). به کوشش سعیدی سیرجانی. تهران: نوین.
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.
- یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۷۶). رئیس‌علی دلواری. تهران: شیرازه.